

گفتند وقتی سیستان خشک می شود که اقیانوس های دنیا خشک شوند. نه مشکل نمک زدایی را درست انجام دادند، نه انتقالشان را که مثلاً چقدر نیروگاه می خواهد، نه میزانش را. میزان حق آب ما ۸۲۰ میلیون مترمکعب در سال است؛ اما آبی که به سیستان می رسد کمتر از صد میلیون مترمکعب در سال است. ناگهان دیدند فقط می توانند آب شرب را پوشش بدهند. آنجا مشکلات زیست محیطی، کشاورزی و دامداری هم دارد. در سیستان با دامدارانی مواجه شدیم که می گفتند: «گاوهای ما اینجا همه شان دارند کور می شوند» یا «گور شده اند».

خب شیرآبی رساندی به خانه ای تا آب شرب داشته باشد. بقیه اش چه؟ چه در حوزه داخلی و چه در حوزه خارجی به نظر می رسد که درست عمل نشده است. با افسوس فراوان باید بگویم وقتی رفتم منطقه سیستان (چون من بیشتر بلوچستان کار می کردم) دیدم چقدر آدم فرهیخته و دانشگاهی و پژوهشگر دارد که کتاب های متعددی نوشته اند و محاسبات خیلی حرفه ای انجام داده اند؛ ضمن اینکه از نظر تجربی، نسل اندر نسل درگیر حق آب و مذاکرات بوده اند و پیگیری کرده اند که چطوری حقا به تعیین می شود و چطوری آب می آید. دیدم آدم های پژوهشگر و دانشگاهی، استادان فرهیخته با پژوهش های آماده وجود دارد؛ ولی مردم و نخبگان منطقه به بازی گرفته نشده اند. در مورد سفر اخیر هیئت آبی هنوز ثمره روشنش را ندیده ایم که همان آمدن آب باشد؛ ولی جای تقدیر دارد. چرا؟ چون بزرگان سیستان درگیر مشکل شدند و رفتند افغانستان و توانستند مذاکره بکنند. این ها را باید دید. تمام این پتانسیل ها باید شناسایی بشود. تمام این پتانسیل ها باید ظرفیت سنجی شود و از ظرفیت آن استفاده شود. از ظرفیت های اسلامی-دینی که مردم دو طرف دارند و ظرفیت های بزرگان سیستان باید استفاده شود. در همین سفری که رفتم، با بزرگان سیستان که در هیئت بودند گفتگو کردم. می گفتند: «سالی چند بار می رویم آن طرف؛ چون نصف طایفه مان آن طرف است.»

چرا از این ظرفیت در گذشته غفلت شده است. باید این ظرفیت ها فعال شوند. هرکسی و هر چیزی تأثیری دارد و آن تأثیر وزن خودش را دارد؛ مثلاً محسن اسلام زاده با مستندش تأثیری می گذارد و مذاکره با طالبان تأثیر بیشتری می گذارد یا همکاری با همسایه ها تأثیر می گذارد و تحقیقات درست داخلی هم مؤثر هستند.

تا چه زمانی می خواهیم به نام آب سیستان بودجه های صندوق ذخیره ارزی را دور بریزیم؟ تا چه زمانی می خواهیم به نام آب سیستان منابعمان را هدر دهیم؟ گاهی که ارقام را جمع می زنیم، می گوئیم اگر به هر خانواده پول مستقیم می دادند تا برون آب معدنی از زاهدان بخرند، وضعیت از اینکه الان هست بهتر بود. با وجود این مشکلات مشخص است آنجا تحقیقات درستی انجام نشده است. مشخص است آنجا ذی نفعانی دارد که دارند درست و حسابی پول درمی آورند. این مشکل به نظر من تعارض منافی برای برخی دارد که باید حل شود. بعضی ها می گویند تمام مناقشات آبی که ۱۴۰۲ بین ایران و افغانستان بود نتیجه اش شد پیش پرداخت فلان پروژه که به فلان پیمانکار بدهند و بگویند: «بیا این را بگیر و فلان پروژه را زودتر شروع کن.»

وقتی کمی کلان تر نگاه می کنیم، بیشتر متوجه می شویم در منطقه چه خبر است.

مشکل آب در
ایران فقط مختص
سیستان نیست.
با عراقی ها هم این
مشکل را داریم با
کشورهای دیگر هم
چنین مشکلاتی
داریم. ترک ها هم
با عراقی ها، هم با
سوریه ای ها مشکل
دارند. هرجایی
که بحث آب است
مشکل وجود دارد.
یادم نیست مصر
و سودان بود یا
سودان و اتیوپی
بود که در مورد
سدی با هم جنگ
می کردند